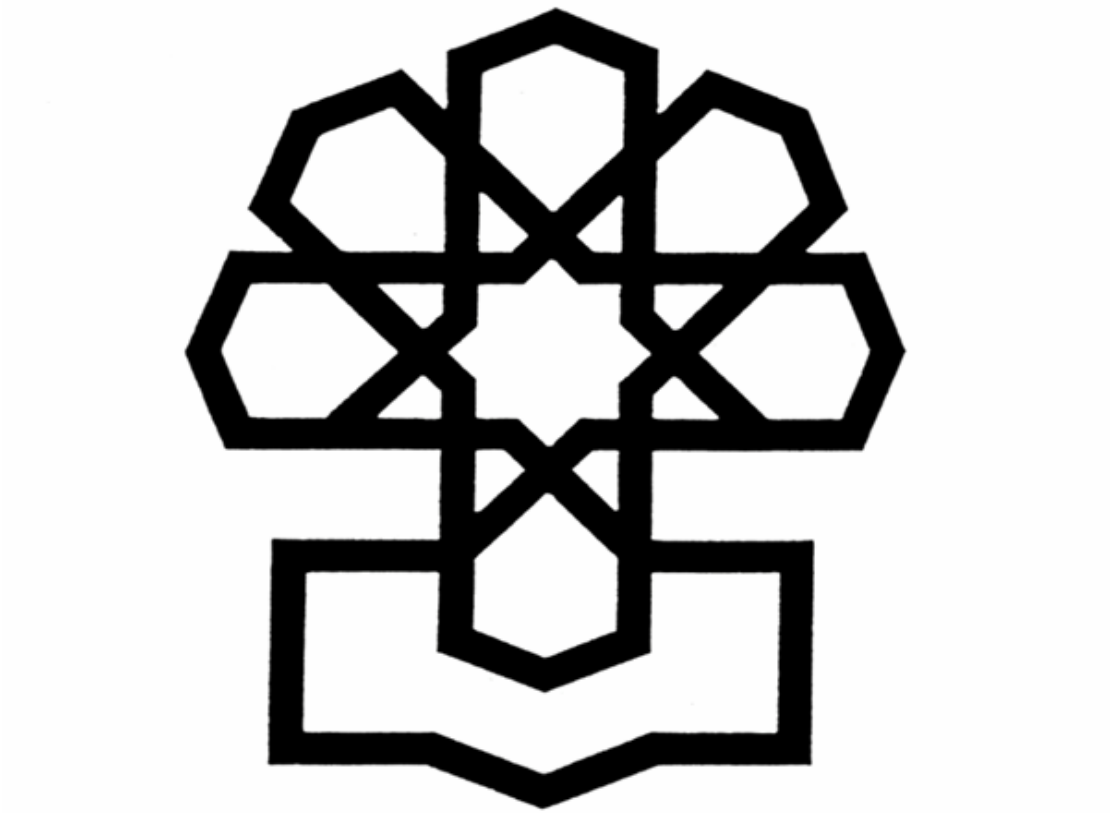
مجلس شورای اسلامی
مرکز پژوهشها

بررسي مسائل و مشكلات صندوق‌هاي قرض‌الحسنه گزارش مذاكرات كميسيون اقتصادي



شماره مسلسل: ٦٥٤١ كد موضوعي: ٤١٠

كار: دفتر بررسي‌هاي اقتصادي

معاونت پژوهشي

اسفندماه ١٣٨١

بررسي مسائل و مشكلات صندوق‌هاي قرض‌الحسنه
گزارش مذاكرات كميسيون اقتصادي

شماره مسلسل: ٦٥٤١ **كد موضوعي:** ٤١٠

پيشگفتار

به دنبال ایجاد برخی نارضایتی‌ها در خصوص فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه، انحراف آن‌ها از اهداف تعیین شده (عمدتاً خیرخواهانه) و اقدام به عملیات بانکی خارج از نظارت بانک مرکزی، کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی اقدام به برگزاری جلسه‌ای با حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاونت اقتصادی آن وزارتخانه، رئیس و دبیر کل بانک مرکزی، نمایندگانی از وزارت کشور، نیروی انتظامی، سازمان اقتصاد اسلامی، مجمع صندوق‌های قرض‌الحسنه و برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه واقع در مشهد نمود. قسمت اول گزارش حاضر، مشروح مذاکرات این جلسه در کمیسیون اقتصادی مجلس است. قسمت دوم گزارش، به سؤال نمایندگان در جلسه دیگری از وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی در مورد مسائل و مشکلات این صندوق‌ها و پاسخ وزیر اختصاص یافته است.

جلسه اول: مشروح مذاکرات کارشناسي در خصـوص مسـائل و مشـکلات صـندوق‌هـاي قرض‌الحسنه

آقاي شاهي عربلـو: همـان‌طـور کـه بـرادران مستحضـرند، اخیـراً مشـکلاتی بـرای صـندوق‌هـای قرض‌الحسنه در کشور به‌خصوص در مشهد، به وجود آمده و شکایات زیادی هم بـرای کمیسـیون ارسال شده است، به طوری که تصمیم گرفتیم تا با حضور جناب آقای مهندس مظاهری، وزیر امور اقتصاد و دارایی، این مشکلات را به بحث و بررسی بگذاریم.

آقاي مظاهري: از این‌که این موضوع را در دستور کار کمیسیون قرار دادید، تشکر می‌کـنم. بـا ایـن کار هم می‌توان تصویری از وضعیت این صندوق‌ها به دست داد و هم این‌که می‌توان تصمیم گرفت برای اصلاح صندوق‌ها چه باید کرد. آیا تصمیم مدیریتی و هماهنگی وزارت کشور، نیروی انتظامی، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی کافی است یا نیاز به یک مصوبه و قانون است؟ این یک نکته است که شاید محل اختلاف نظر باشد. در یک کلام می‌توانم بگویم که اختلافی در مورد اصـل قـرض‌الحسـنه نیست ؛ چرا که سنت حسنه‌ای است که نه دولت، نه بانـک مرکـزی و نـه وزارت اقتصـاد آن را نفـی نمی‌کنند. به نظر من حتی اگر بتوانند این رسم را احیا کنند، خوب است.

در مورد صندوق‌های قرض‌الحسنه در سال ۱۳۶۹ یـا ۱۳۷۰ آیـین‌نامـه‌ای در شـورای پـول و اعتبار تصویب شد. تفاوت ماهیت صندوق‌های قرض‌الحسنه با ماهیت یک مؤسسه مـالی و اعتبـاری این است که یک صندوق قرض‌الحسنه صرفاً باید به قرارداد حسنه بپـردازد و کـار بـانکی نکنـد. بـه تعبیر اقتصادی نباید خلق پول کند. خصیصه اصلی محک سنجش یـک صـندوق قـرض‌الحسـنه ایـن است که خلق پول نمی‌کند و به عملیاتی که بر حجم نقدینگی مـی‌افزایـد، مبـادرت نمـی‌ورزد. یکـی از ویژگی‌های در مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها این است که خلق پول می‌کنند (که البته ایـن یـک موضوع طبیعی و مشخص است و نیاز به توضیح ندارد)؛ مثلاً وقتی فردی به بانکی مراجعه می‌کنـد و یکصد تومان سپرده می‌گذارد، بانک این سپرده را ۲۵ درصد کم می‌کند و ۷۵ درصـد بقیـه را بـه یک نفر دیگر وام می‌دهد. فرد وام‌گیرنده در آن لحظه ۷۵ تومان قـدرت خریـد پیـدا مـی‌کنـد و بـدین ترتیب نقدینگی ایجاد می‌شود. قدرت خرید آن فرد سپرده‌گذار در بانک هم حفظ مـی‌شـود؛ چـون او می‌تواند هر لحظه به بانک مراجعه بکند و ۱۰۰ تومانش را بگیرد، ولو این‌که سـپرده مـدت‌دار باشـد. در این زمان این ۱۰۰ تومان تبدیل به ۱۷۵ تومان نقدینگی می‌شود. در حلقه دوم، وام گیرنده، با ایـن ۷۵ تومان یک حساب باز می‌کند و سپرده می‌گذارد تا این‌که بتواند چک بکشد یا نقل و انتقال بـانکی انجام بدهد. این عمل سپرده جدیدی ایجاد می‌کند که ۷۰ تا ۸۰ درصدش می‌توانـد محـل دادن اعتبـار جدید باشد، این مکانیسم یک کار بانکی است. نکته اصلی در صندوق‌های قرض‌الحسنه این است کـه اگر سپرده‌گذار به وام‌گیرنده پول قرض دهد، تا قبل از ضرب‌الاجلـی کـه توافـق مـی‌شـود، پـول بـه سپرده‌گذار پس داده نمی‌شود، در نتیجه سپرده‌گذار دیگر قدرت خرید آن پول را ندارد. حال اگر این کار به صورت فردی انجام شود، مثلاً بنده از آقای شـاهی دو میلیـون تومـان قـرض بگیـرم، آقـای شاهی آن دو میلیونی را که به من قرض داده‌اند، دیگر ندارند که خرج کنند تا زمانی که مـن پـول را

به ایشان پس بدهم. اگر این کار به صورت سازمانی انجام شود و مؤسسه‌ای تحت عنوان «صندوق قرض‌الحسنه» پول شخص قرض دهنده را به حساب بگذارد و از آن پول به قرض‌گیرنده، وام دهد، سپرده‌گذار تا هنگام بازپرداخت قسط‌ها حق ندارد پول خود را مطالبه کند. این محک سنجش یک صندوق قرض‌الحسنه است. هر کاری غیر از این باشد، مثلاً شخص سپرده‌گذار خودش بتواند در مدتی که قرض‌الحسنه اعتبار می‌دهد از آن پول استفاده کند، یا حتی اگر دادن قرض‌الحسنه منوط به شروطی در گرفتن سپرده باشد، از نوع جداولی که برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه تنظیم کرده‌اند، یک کار اعتباری است (که سازمان اقتصاد اسلامی با آن به شدت مخالف است و فکر می‌کنم یکی از ویژگی‌های قرض‌الحسنه‌های تحت پوشش سازمان اقتصاد اسلامی هم همین است که هیچ کدام چنین جدولی ندارند و اگر کسی چنین کاری کند، جلویش را می‌گیرند. این نکته مثبت قرض‌الحسنه‌های تحت پوشش سازمان اقتصاد اسلامی است). این که صندوق‌های قرض‌الحسنه با تنظیم جدولی می‌گویند که اگر پول شش ماه باشد، این مقدار وام به او تعلق می‌گیرد و اگر پنج ماه باشد، مبلغی دیگر دریافت می‌کند، این یک کار اعتباری است. هم اکنون این مسأله را به طور مرتب در قالب آگهی‌های مختلفی در روزنامه‌ها می‌بینیم و این کاری است که دارد اتفاق می‌افتد. بانک مرکزی و وزارت اقتصادی و دارایی نه مخالف قرض‌الحسنه‌ها هستند، نه مخالف مؤسسات مالی و اعتباری و نه بانک‌های خصوصی (که مسأله‌شان حل شده است). بنابراین هر سه مورد مذکور (بانک خصوصی، مؤسسه مالی و اعتباری و قرض‌الحسنه) خوب هستند و در سیستم پولی کشورباید وجود داشته باشند، اما هرکدام باید کار خودش را انجام دهد؛ مؤسسه‌ای که ادعا می‌کند قرض‌الحسنه است، باید قرض‌الحسنه باشد. نباید کار اعتباری کند، سپرده بگیرد و وام جدولی (مطابق جدولی که تنظیم می‌کند) بدهد، یا از نوع کارهایی که در مشهد، کرمان و ... اتفاق می‌افتد، انجام دهد. چنین صندوق‌هایی هم به سپرده‌گذاران و هم به نظام اقتصادی مملکت لطمه می‌زنند. آسیب این صندوق‌ها به نظام اقتصادی به این صورت است که قدرت خلق پول چنین صندوق‌هایی که کار اعتباری می‌کنند و سپرده قانونی را نمی‌دهند، بی‌نهایت می‌شود. سپرده قانونی هر مقدار کم شود، قدرت خلق پول سیستم اعتباری به صورت تصاعدی بالا می‌رود، به نحوی که شما وقتی سپرده قانونی را صفر کنید، قدرت خلق پول سیستم اعتباری بی‌نهایت می‌شود. معنای این سخن در مورد مؤسسات مالی و اعتباری که تحت ضابطه نظام پولی کشور کار نمی‌کنند، آن است که آن‌ها فعالیت بانکی با سپرده قانونی صفر درصد انجام می‌دهند؛ یعنی در قبال ۱۰۰ تومان سپرده‌گذاری، آن‌ها ۱۰۰ تومان وام می‌دهند و نقدینگی را که یکی از بلایای طبیعی ماست، بدون کنترل دولت بالا می‌برند. از طرفی چون سپرده قانونی ندارند، برای منافع سپرده‌گذاران هم خطرناک می‌شوند. چون کارکردهای سپرده قانونی کنترل نقدینگی و حفظ منافع سپرده‌گذاران است. وقتی بدون سپرده قانونی وام داده می‌شود، اتفاق‌های خطرناکی می‌افتد که نمونه‌هایش در گذشته در مورد شرکت مضاربه‌ای سحروالیکا اتفاق افتاد. الان خبرهای مربوط به این مؤسسات را در مشهد و کرمان شنیده‌اید. نمونه‌اش مؤسسه قرض‌الحسنهِ پیامبر است. من طی نامه‌ای به وزارت کشور و نیروی انتظامی نوشته‌ام این مؤسسه از مصادیق بارز تخلف در قرض‌الحسنه است که باید جلوی آن را

گرفت. به غیر از تمامی کارهایی که می‌کند، اسمی هم که برای خودش انتخاب کرده، یک تخلف است. برای این کار شاید افراد اهانتی به این اسم کنند. این اسامی را نباید خرج این مطامع کرد. به هر حال در یک کلام، مؤسسه قرض‌الحسنه مؤسسه‌ای است که با ضوابط تصویب شده فعلی که می‌تواند ملاک کار باشد، تولید نقدینگی جدید یا خلق پول (به تعبیر بانکی‌اش) نمی‌کند. اگر این مؤسسات طبق ضوابط کار کنند، باید آن‌ها را حمایت و تشویق کنیم که کارشان را انجام دهند. اگر کسی می‌خواهد فعالیت اعتباری کند، باید در قالب مؤسسات مالی ـ اعتباری باشد. لذا باید تقاضا کند و مجوز بگیرد. بانک مرکزی هم نظارت کند و کارش را انجام دهد. از نظر قانونی، تصورم این است که در مدیریت این کار اختلاف نظری وجود دارد. به نظر من قانون پولی و مالی تکلیف این مسأله را روشن کرده است. در تصویب این قانون به عنوان «مؤسسه قرض‌الحسنه» اشاره نشده، اما روشن است که سیاست‌های پولی و مؤسساتی که کار پولی و بانکی می‌کنند، باید در قالب قانون پولی و بانکی مصوب شورای پول و اعتبار باشند. هیچ دلیلی وجود ندارد که در قانون به انواع مؤسسات اشاره شده باشد؛ به عنوان مثال در قانون نوشته می‌شود که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مسئولیت نظارت بر فروشگاه‌های کالاهای بهداشتی و درمانی را برعهده دارد. بدیهی است در این قانون، اسم تمام قرص‌ها، آمپول‌ها و یا وسایل بهداشتی و درمانی نوشته نمی‌شود؛ اما به هر حال معلوم است کسی که کار خدمات بهداشتی و درمانی می‌کند، باید تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد. در قانون پولی و بانکی هم لازم نیست به تک تک نام‌ها، مانند شرکت‌های مضاربه‌ای، مؤسسات مالی و اعتباری، قرض‌الحسنه‌ها، تعاونی‌های اعتبار و ... اشاره شود. ماهیت قانون پولی و بانکی این است که شامل مؤسساتی که کار پولی می‌کنند، می‌شود. سیاست‌های پولی‌شان را باید بانک مرکزی کنترل کند و شورای پول و اعتبار درباره آن‌ها نظر دهد و این کار را اداره کند. بنابراین، وظیفه بانک مرکزی نظارت است . عوامل اجرایی هم باید با دستور، نظر و تشخیص مرجع متبوع خود در مورد برقراری نظم و انضباط عمل کنند؛ اما اگر بخواهیم از این زاویه کمی جلوتر برویم، حداکثر این است که هیأت دولت می‌تواند تصمیم بگیرد که آیین‌نامه و ضوابط را تعیین کند. در سال ۱۳۷۰ آیین‌نامه‌ای در دولت تصویب شد که بتوان این کار انجام داد. ماده (۹۲) قانون برنامه سوم، بانک مرکزی را مکلف کرده که برای انضباط این مؤسسات اقدام کند. تصور نمی‌کنم نیازی به یک قانون جدید باشد ؛ چون تصویب یک قانون جدید مشکلاتی دارد؛ از جمله این که تدوین و تصویب آن به زمان نیاز دارد و نیز مدتی این نابسامانی‌ها ادامه پیدا می‌کند. اگر قانون جدیدی تصویب کنیم (هرچند نیازی نیست)، این شبهه به وجود می‌آید کاری که تا به حال صورت گرفته، درست بوده است. فکر می‌کنم کاری که تا به حال انجام شده، خلاف بوده؛ هم مؤسسات مذکور خلاف کرده‌اند و هم ما به عنوان دولت وظیفه نظارتی‌مان را انجام نداده‌ایم. اگر هماهنگی‌های لازم صورت بگیرد، بانک مرکزی می‌تواند با کمک چارچوب و محک سنجش خلق پول، بر صندوق‌ها و تعاونی‌های اعتباری نظارت کند. اتفاقاتی که در تعاونی‌های اعتباری می‌افتد، خلاف است و متأسفانه به قدری شایع شده که قبح کار برای‌مان برطرف شده است؛ به عنوان نمونه، روبه‌روی وزارت کشور یک مؤسسه شعبه زده، که بر تابلوی آن درست مثل بانک نوشته

شده: «مؤسسه بانگ صبا». جالب این که حرف «گ» را طوری نوشته که مثل «ک» به نظر آید تا مردم فکر کنند که این یک بانک است. با نهایت جسارت کار بانکی می‌کند که تداوم آن حتماً به ضرر اقتصاد کشور تمام می‌شود. وظیفه دولت حمایت از صندوق‌های قرض‌الحسنهٔ درستکار و برخورد با صندوق‌های قرض‌الحسنهٔ مسأله‌دار است.

متأسفانه بسیاری از نهادها و سازمان‌ها، حتی نیروی انتظامی، چنین صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای را درست کرده‌اند و در نتیجه نمی‌توانند برخورد درستی با این مسأله کنند. یکی از قرض‌الحسنه‌های خلافکار، قرض‌الحسنه نیروی انتظامی است؛ حتی وقتی این نیرو گذرنامه صادر می‌کند، از مردم پول می‌گیرد و به حساب این صندوق قرض‌الحسنه می‌ریزد. من گفتم جلوی این‌کار را بگیرند؛ چون این خلاف بزرگی است. اکثر نهادها و سازمان‌ها انواع قرض‌الحسنه‌های نادرست را به راه انداخته‌اند. مجموعه تخلف نهادها، مردم و ...، به اضافه کُندی عملیات بانکی و عدم خدمات‌رسانی بانک به مردم، جملگی این موارد را به وجود آورده‌اند. مردم چون از بانک‌ها ناامیدند، فکر می‌کنند اگر به این صندوق‌ها مراجعه کنند، یک وام قرض‌الحسنه می‌گیرند. ایراد از ماست که نتوانستیم نظام بانکی را به راه بیندازیم. باید نظام بانکی را اصلاح کنیم که تا به حال در این زمینه موفق نبوده‌ایم. ان‌شاءا... از این پس بتوانیم قدم درستی بر داریم؛ اما در مجموع، کُندی نظام بانکی، کوتاهی دولت و عدم نظارت وزارت کشور و نیروی انتظامی این آشفتگی را موجب شده است و این زنگ خطری است که باید همه دست به دست هم بدهیم تا تکلیف آن را معلوم کنیم. بنده به صورت روشن و صادقانه همه مسائل را گفتم. حال اگر فکر می‌کنید مسأله‌ای باقی مانده، بفرمایید تا بیان کنم.

آقاي جماعتي (نماینده سازمان اقتصاد اسلامي) : مطالبی را که آقای مظاهری به آن‌ها اشاره فرمودند، صد درصد صحیح و مورد تأیید ماست؛ کسی که کار بانکی می‌کند، باید کار بانکی انجام بدهد. سازمان اقتصاد اسلامی صرفاً با صندوق‌هایی که قرض‌الحسنه پرداخت می‌کنند، همکاری و بر آن‌ها نظارت دارد. این سازمان، تشکیلاتی به نام حسابرسی و بازرسی دارد که دائماً صندوق‌ها را مورد رسیدگی قرار می‌دهند. شرایط سازمان این است که صندوق‌ها تا جایی که امکان دارد، کارمزد نگیرند و در صورت لزوم، کم و درحد مزدکار، کارمزد دریافت کنند؛ صندوق‌ها آنچه انجام می‌دهند در رابطه با قرض‌الحسنه باشد، کار تجاری نکنند و همه شرایط سازمان را رعایت کنند. به همین علت هم از تعداد زیاد صندوق موجود فقط حدود هزار صندوق با سازمان مرتبط‌اند و بقیه ارتباطی با آن ندارند و سازمان نیز همکاری با آن‌ها را نمی‌پذیرد. اگر یک صندوق از موارد تعیین شدهٔ سازمان تخلف کند (چون قانوناً نمی‌توانیم کاری انجام دهیم)، سازمان نیز با آن صندوق قطع ارتباط می‌کند؛ به عنوان نمونه در مشهد، حدود هفت سال پیش بازرسان سازمان اقتصاد اسلامی یکی از صندوق‌ها را بررسی کردند و گزارش دادند که این صندوق از وام‌های پلکانی استفاده و کار اعتباری می‌کند. به همین دلیل به آن اخطار داده شد و تنها کار ممکن قطع ارتباط با این صندوق بود که این کار صورت گرفت و دیگر هیچ کمکی به آن نشد. بیش‌تر صندوق‌های مرتبط با سازمان یا در

روستاها بوده و یا صندوق‌های کوچکی هستند که نظارت بر این صندوق‌ها شاید به مصلحت بانک مرکزی نباشد؛ به طور نمونه در شهرکرد یک صندوق روستایی را دیدم که مجموع پول‌هایی را که از اهالی آن روستا جمع کرده بود، به حدود ده میلیون تومان می‌رسید، آنان می‌گفتند اگر سه یا چهار میلیون تومان وام به این مبلغ اضافه شود، ما می‌توانیم به افراد روستا به جای سی هزار تومان، چهل هزار تومان وام بدهیم که با این وام زندگی‌شان را بچرخانند. در یک چنین جایی، نه مقررات بانکی و نه مقررات دولتی نمی‌تواند حاکم باشد.

در کل، هیأت مدیره سازمان را چهل تا پنجاه نفر افراد بالای شصت تا هفتاد سال تشکیل می‌دهند که سابقه سی سال فعالیت در امر قرض‌الحسنه دارند و بدون هیچ‌گونه درآمد و چشمداشتی در جهت رضای خدا و امر قرض‌الحسنه روزهای چهارشنبه جمع می‌شوند و راجع به این صندوق‌ها در شهرهای مختلف تحقیق می‌کنند. بنابراین، نظر سازمان اقتصاد اسلامی این است که ضمن آن‌که نظارت صورت می‌گیرد، اجازه داده شود صندوق‌هایی که کار قرض‌الحسنه می‌کنند، به فعالیت‌شان ادامه دهند. گزارش کنترل‌های صورت گرفته توسط سازمان را می‌توانیم به بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی بدهیم.

این خلاصه‌ای بود از کاری که سازمان اقتصاد اسلامی و صندوق‌های مرتبط با این سازمان انجام می‌دهند. با صندوق‌های دیگری که با غیر از این روش کار می‌کنند یا تعاونی اعتباری‌اند، نه ارتباط داریم و نه واقعاً می‌دانیم که چگونه عمل می‌کنند.

آقاي نوربخش (رئيس بانك مركزي): بانک مرکزی، طبق رسالت خود، از سال ۱۳۶۳ مسأله صندوق‌های قرض‌الحسنه را به عنوان مؤسساتی که باید تحت نظارت باشند، تلقی و آیین‌نامه‌ای را هم برای آن‌ها تدوین کرده است؛ مصوبه‌ای هم از دولت داریم. از دورهٔ اول که در بانک مرکزی بوده‌ام، توانستیم مصوبه‌ای را از دولت بگیریم که بر اساس این مصوبه، بانک مرکزی به همراه وزارت کشور و نیروی انتظامی می‌باید بر کار صندوق‌های قرض‌الحسنه نظارت کنند. آیین‌نامه‌ای را هم تدوین کرده بودیم که براساس آن صندوق‌ها فقط قرض‌الحسنه بگیرند و قرض‌الحسنه هم بدهند. طبق آیین‌نامه مذکور نظارت هم صورت می‌گرفت. صندوق‌ها می‌باید اساسنامه‌شان را با اساسنامه نمونه یا تیپی که ما تهیه کرده بودیم، تطبیق می‌دادند. این مصوبه در سال ۱۳۷۰ لغو شد. از آن زمان به بعد، صدور مجوز را فقط وزارت کشور و نیروی انتظامی انجام می‌دهد. در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷٤ مجدداً بحث نظارت را پیگیری کردیم و علی‌رغم این‌که هیچ محلی برای حضور در این مؤسسات نداشتیم، با استفاده از بررسی‌هایی که به عنوان مشتری با این شرکت‌ها و سازمان‌ها انجام دادیم، مواردی را به مرحله دادخواهی و شکایت رساندیم و به دادگاه رفتیم.

سؤال این است که مسئول این صندوق‌ها کیست؟ ما معتقدیم که این‌ها به عنوان مؤسسه اعتباری اساسنامه‌شان را باید با ما تطبیق دهند و بر اساس چارچوب تعیین شده فعالیت کنند. چگونگی ثبت دفترها و نحوه نظارت بر کارشان باید مشخص شود. بازرس سازمان اقتصاد اسلامی یا بانک مرکزی (البته سازمان اقتصاد اسلامی پشتوانه قانونی ندارد که به عنوان بازرس بیاید، مگر

این‌که مجلس تصویب کند که بخش خصوصی هم می‌تواند بازرس باشد)، بروند دفاتر و اسناد آن‌ها را بر این اساس بررسی کنند. عملیات‌شان را با دستورالعمل‌ها تطبیق دهند. اگر خلافی دیدند، به عنوان کسانی که مجوز را صادر کردند، باید مجوز را باطل کنند. این فرایند در حال حاضر مختل شده است. الان صدور مجوز با وزارت کشور و نیروی انتظامی است و عملیاتشان در هیچ جا ثبت نمی‌شود. در مورد مشکلات موجود، در مشهد، بازرسان ما با استفاده از زور دادگاه توانستند به این صندوق‌ها راه پیدا کنند، و گرنه آن‌ها می‌گفتند: «به شما چه ارتباطی دارد؟» وقتی رفتیم، دیدیم بسیاری از عملیات پولی آن‌ها و وام‌هایی که داده‌اند، ثبت و ضبط نشده؛ به هیأت امنا وام داده‌اند، ولی در جایی ثبت و ضبط نشده؛ اموال غیرمنقول خریده‌اند، آن هم در جایی ثبت نشده. این‌ها تمام خلاف قانون و خلاف آن ضابطه‌ای است که باید به آن عمل می‌کردند. بنابراین، این فرایند مخدوش است؛ یعنی اول باید به اصطلاح متر و قیچی را تعیین کنیم. این متر و قیچی تبدیل به اساسنامه و دستورالعمل اجرایی می‌شود. ما معتقدیم که جای تخصصی این‌کار، بانک مرکزی است. این متر و قیچی را ما داشته‌ایم، ابلاغ هم کرده و گفته‌ایم که طبق این عمل کنند، اما این را ابطال کردند. الان بدون این متر و قیچی به بنده اجازه داده و گفته می‌شود برو کار کن. بر چه اساسی؟ براساس تشخیص خودم؟ حالا به فرض بنده رفته‌ام، کار کسی را که مجوز گرفته و دارد کار می‌کند، بررسی کرده‌ام. رسیده‌ام به این‌که دارد خطا می‌کند. من که خودم نمی‌توانم آن جا را تعطیل کنم . باید چه کار کنم؟ باید شکایت کنم به قوه قضاییه و از نیروی انتظامی بخواهم که جلوی فعالیت او را بگیرد. نیروی انتظامی، به عنوان ضابط، می‌گوید اگر حکم از قوه قضاییه آمد، من جلویش را می‌گیرم. الان من مواردی از دادگاه‌ها را آورده‌ام که راجع به مؤسسه قرض‌الحسنه رفاه سیدالشهدا، صندوق قرض‌الحسنه انصارالمجاهدین، صندوق قرض‌الحسنه بشیر، شرکت تعاونی اعتبار سامان، صندوق قرض الحسنه غدیر و ... است که در تمامی موارد دادگاه حکم برائت صادر کرده است. آقای مظاهری که می‌فرمایند در اجرا اختلاف داریم، من تعجب می‌کنم. اختلافی نداریم. با تغییر این احکام، مؤسسه‌های متخلف را تعطیل کنید؛ به عنوان نمونه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اگر یک مورد خطا از یک داروخانه ببیند، مجوزش را که خود صادر کرده، باطل می‌کند. بانک مرکزی چنین اختیاری ندارد. من به کجا بنویسم جوازت باطل؟ من به عنوان یک شاکی، در آن مواردی که رأی بر برائت داده شده است، درخواست تجدیدنظر می‌کنم؛ پس می‌بینید که این مسأله چه قدر از وقت اداره حقوقی ما را به خود اختصاص می‌دهد. آن هم با آن فرایند طولانی که در دادگاه طی می‌کند. بدین ترتیب آن‌ها هر کاری که بخواهند می‌کنند ؛ مثلاً در مورد همین «بانگ صبا»، ما از همان وقت که این مؤسسه در کرج به ثبت رسید، شکایت کردیم. من نمی‌دانم چگونه به او اجازه ثبت دادند؟ چون آقای صوفی وزیر تعاون به من گفت این به نام تعاونی به ثبت رسیده و شعبه ما در فلان جا خطا کرده ما هم بلافاصله شکایت کردیم. حالا من می‌شنوم که جلوی وزارت کشور شعبه زده و فردا حتماً یک فاجعه‌ای رخ خواهد داد. ما وقتی این موارد را دیدیم، یک لایحه در دو خط تنظیم کردیم و گفتیم این مؤسسات قرض‌الحسنه چون با پول سروکار دارند، باید از ما مجوز بگیرند. اساسنامه آن‌ها باید مطابق اساسنامه نمونه یا تیپ ما باشد. وقتی می‌گوییم اساسنامه

تیپ، در کنارش نحوه دفترداری هم مشخص است و این که سرفصل آن‌ها چیست؟ و دفترهای‌شان را چگونه ثبت و ضبط کنند. از نظر نحوه دفترداری در صندوق‌های قرض‌الحسنه این موارد رعایت نمی‌شود و طرف به راحتی می‌تواند هر کاری انجام دهد. در مورد این مؤسسات اعتباری که ما مجوز می‌دهیم و هر ماه بر این‌ها نظارت می‌کنیم، باز نگرانیم که مبادا خلافی بین سهامدار و هیأت مدیره رخ بدهد. به محض این‌که کوچک‌ترین علائمی ببینیم، آن‌جا مأمور می‌گذاریم و دستور می‌دهیم که با حضور نماینده ما باید عملیات ثبت و ضبط انجام شود. در صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنده چنین اختیاری ندارم. برای این‌که چنین اختیاری پیدا کنیم، یک لایحه پیشنهادی را تقدیم کردیم مبنی بر این‌که این‌ها مجوزشان را از ما بگیرند و اساسنامه‌های‌شان را بر اساس اساسنامه تیپ ما تنظیم کنند تا ما بتوانیم نظارت کنیم. بر این اساس نکات زیر مطرح است:

اول این که اگر وزارت دارایی معتقد است که این اختیار قانونی را الان داریم، لطف کند به قوه قضاییه بگوید که حکم تبرئه ندهند؛ یعنی براساس احکام، درِ صندوق‌های متخلف را ببندند. دوم این که اگر کس دیگری، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، می‌گوید من این مسئولیت را دارم، باید آثار و تبعات بعدی آن را هم بپذیرد؛ یعنی همان حادثه‌ای که در مشهد رخ داده است. اگر هیچ کدام از این‌ها نیست (که در واقع هم نیست)، پیشنهاد می‌کنم قانونگذار تکلیف را روشن کند و بگوید که یا بانک مرکزی این کار را بکند یا وزارت دارایی و یا سازمان اقتصاد اسلامی. بالاخره جایی باید این کار را انجام دهد و یک جا باید بتواند بگوید که طبق این الگو باید لباس بریده شود. طبق آن الگو هم لباس دوخته شود و اگر کسی خلاف این عمل کرد، الگو را از دست او بگیرید. نمی‌شود به عنوان یک نفر شاکی خصوصی شکایت کنیم. با این کار خودمان را مسخره می‌کنیم. حال تکلیف کمیسیون را روشن کنید که چه کسی را می‌خواهید مسئول کنید. این کل داستان و کل مطلب است.

آقاي دستجردي (نماینده مجمع صندوق‌هاي قرض الحسنه): مشکل این است که قانون‌نویس فقط دولت بوده و قانون را نوشته، بدون این‌که با صندوق‌های قرض‌الحسنه مشورتی بکند. در این جلسه فقط راجع به تخلفات صندوق‌های قرض‌الحسنه صحبت می‌شود. من فکر می‌کنم جلسه باید راجع به سامان‌دهی صندوق‌های قرض‌الحسنه باشد، نه فقط تخلفات آن‌ها. باید روی سامان‌دهی قضیه و بحرانی که دولت به وجود آورده، بحث کنیم، نه تخلفات صندوق‌های قرض‌الحسنه. این بحران را به اعتقاد ما دولت به وجود آورده است؛ یک روز می‌گویند صندوق‌ها تخلف می‌کنند، یک روز هم می‌گویند در سطح فروشنده مواد مخدر هستند. خلاصه نسبت‌های زیادی به این صندوق‌ها می‌دهند. عادت کرده‌اند که تشکل‌های غیردولتی را تضعیف کنند، در حالی که در همه جای دنیا تشکل‌های غیردولتی به دولت خط می‌دهند. ما در این جا باید بگوییم چشم. حتی اگر با ما برخورد می‌کنند، باید بگوییم چشم. دولت از هر نوع اختیاری برخوردار است؛ اما ما هیچ اختیاری نداریم. جناب نوربخش فرمودند: «هیچ نظارتی روی کار اینان نیست»، در حالی نیروی انتظامی نظارت بسیار شدیدی بر ما می‌کند. ما تا دفترهای قانونی‌مان را ننویسیم و اظهار نامه مالیاتی‌مان را ندهیم، پروانه کارمان را

تجدید نمی‌کنند. در طول سال هم مرتب بازرسی می‌کنند. من نمی‌خواهم از نیروی انتظامی دفاع کنم. پافشاری من روی نظارتی است که شما می‌فرمایید، حتی از کارشناسان دانشگاهی هم برای بازرسی استفاده کرده‌اند. پیشنهاد ما این است که به جای پرداختن به تخلفات به ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه پرداخته شود. ما به نماینده محترم وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد دادیم که کمیته‌ای متشکل از وزارت کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان اقتصاد اسلامی، نیروی انتظامی، وزارت کشور و تشکل‌های ذی‌ربط تشکیل شود تا مشخص شود که چقدر قشنگ و خوب نظارت صورت می‌گیرد. فقط می‌خواهید با قضایا برخورد بکنید. من از برادران و آقای مظاهری گله دارم. در روزنامه هم درددل کردیم. ما تا این حد مستحق حمله نبودیم. این‌قدر متخلف نیستیم که شما می‌فرمایید. ما مشکلات مردم را حل می‌کنیم. ما می‌گوییم با وام یک یا دو میلیونی مشکل مسکن مردم حل نمی‌شود. لذا شرایطی باید فراهم کرد که مشکل مردم حل شود و مردم دردسر نداشته باشند. چهار حکم برائت را جناب آقای نوربخش ارائه می‌کنند و می‌گویند این محور برخورد ماست. آقای نوربخش! بفرمایید بانک مرکزی چند دوره کلاس آموزشی برای صندوق‌های قرض‌الحسنه، گذاشته است؟ آیا شما کلاس گذاشتید و ما نیامدیم؟ چه چیز را به عنوان قانون به ما دیکته کردید؟ شما مصوبه شورای‌عالی پول را در بایگانی خودتان بایگانی کردید. وقتی شلوغ شد، گفتیم این مصوبه چیست که این همه جنجال راه انداخته؟ گفتند در اساسنامه‌ها هست. من اساسنامه را دیدم، هیچ‌کدام چیزی در این مورد ندارد، به جز اساسنامه‌هایی که چند ماه پیش نوشته شده‌اند. صندوق تابع اساسنامه‌اش است. آیا شما به من آموختید که چه خلاف است تا من خلاف انجام ندهم؟ مصوبات خودتان را کنار خودتان نگه می‌دارید و به ما نمی‌دهید. آیا سازمان اقتصاد اسلامی این مصوبات را دارد؟ ما طبق تیپی که نیروی انتظامی و وزارت کشور در اختیارمان گذاشته‌اند، عمل می‌کنیم. جمله آخر این که اساسنامه مصوب را من در اختیار دارم. چیزی در آن راجع به بحث‌های مطرح شده نوشته نشده است.

پیشنهادما این است که این کمیته تشکیل شود و به بررسی قوانین موجود، شرایط حال و این که آیا نیازی به قانون جدید هست یا خیر بپردازد. بانک مرکزی می‌گوید به این صندوق‌ها نیاز هست. وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور هم می‌گویند نیاز هست. اگر واقعاً به وجود صندوق‌های قرض‌الحسنه نیاز هست، پس آن‌ها را حمایت کنید. اجازه بدهید ما در چارچوب قانون کار کنیم. افتخار می‌کنیم که اسم بانک مرکزی به عنوان ناظر روی ما باشد. مگر نیروی انتظامی و وزارت کشور که در حال حاضر بر کار ما نظارت می‌کنند، با ما مشکلی دارند؟ ما دوست داریم این اتفاق بیفتد، منتها می‌گوییم ما را در نوشتن این قانون سهیم کنید. سرنوشت ما را با حضور خودمان بنویسید. ما را حداقل به عنوان یک مشاور در نظر بگیرید.

آقاي شاهي عربلو: معلوم است برادران صندوق قرض‌الحسنه هم هنوز وضعیت و تکلیف خودشان را نمی‌دانند؛ توقعاتی دارند که هنوز در قانون و آیین‌نامه گنجانده نشده است. بدین ترتیب معلوم شد در این خصوص اصلاحاتی باید صورت گیرد.

آقاي گرامي (نماينده وزارت كشور): طبق قانون برای ثبت مؤسسات غیر انتفاعی، داشتن یک نسخه اجازه‌نامه صادره توسط شهربانی آن زمان یا ناجا الزامی است. این‌که ما تا الان در صحنه حضور داشته و دخالت کرده‌ایم، به همین دلیل بوده است. در بحث نظارتی، بررسی‌ها بر این اساس انجام می‌شود که صندوق‌ها نباید کار انتفاعی کنند و صلاحیت فردی و انتظامی‌شان نیز باید مورد تأیید باشد. در حال حاضر، مقامات قضایی به علت این‌که مواد مشخص و تعریف شده قانونی موجود نیست، نمی‌دانند چگونه برخورد کنند. بعضی اوقات قوه قضاییه مدعی است که نیروی انتظامی این کار را بر کدام اساس و حکم قضایی انجام می‌دهد. این یک خلأ قانونی است که در مورد آن در قانون تعریفی ارائه نشده است؛ مثلاً وام جدولی که در موردش اعلام می‌شود برخلاف ضوابط و مقررات مالی است، باید پرسید اگر چنین عملی انجام شد، چه حکمی دارد؟ چگونه باید با آن برخورد شود؟ در واقع در این‌جا خود مقامات قضایی هم تعریفی از چگونگی برخورد با این مسأله ندارند. انواع و اقسام مسائل هم در این‌جا مطرح است. از مراجع عظام استفتاحاتی در مورد وام جدولی شده است. بعضی از آنان موافقت با آن کرده و گفته‌اند اشکالی ندارد. بعضی هم مخالفت کرده و گفته‌اند اگر صاحب مال راضی باشد، می‌توان این‌کار را کرد. در مورد خرید و فروش توسط صندوق‌ها هم بعضی مراجع گفته‌اند اگر در جهت اهداف صندوق باشد، اشکالی ندارد. بعضی هم گفته‌اند اشکال دارد، باید صاحب پول‌ها راضی باشد. در مجموع، در حال حاضر، وضعیت صندوق‌ها مبهم است. الان اجازه تأسیس شعبه هیچ تعریفی ندارد، کما این که اجازه ندادنش هم هیچ تعریفی ندارد. در مورد جلوگیری نیروی انتظامی از این کار، اعلام شده که فعلاً اجازه ندهید هیچ شعبهٔ جدیدی تأسیس شود تا این که تکلیف این صندوق‌ها و نحوه ادامه کار آن‌ها روشن شود. یک مشکل دیگر این است که برخی صندوق‌ها برای گرفتن مجوز به نیروی انتظامی مراجعه نمی‌کنند، بلکه مستقیماً با مراجعه به ثبت شرکت‌ها صندوق را به عنوان مؤسسه ثبت و شروع به فعالیت می‌کنند، و اصلاً نیازی نمی‌بینند که از ما مجوز بگیرند. این وضعیت جمیع مشکلاتی است که با آن‌ها روبه‌رو هستیم؛ ولی به هرحال بار این بی‌سامانی بر دوش نیروی انتظامی است؛ چون داستان کلاهبرداری، خیانت در امانت و ورود افراد ناباب مطرح است. حدود ۱۸۷۵ صندوق در ناجا به ثبت رسیده است. صندوق‌ها بسیاری هم وجود دارد که در ناجا ثبت نشده‌اند.

آقاي شيركوند (معاون اقتصادي وزارت امور اقتصادي و دارايي): مطالبی که راجع به صندوق‌های قرض‌الحسنه مطرح شده، عمدتاً دو بخش بوده است؛ یک بخش راجع به صندوق‌های نوع اول بوده که نه کسی متعرض این‌ها بوده، نه کسی به این‌ها اهانت کرده و نه در مصاحبه‌های وزارت اقتصاد یا بانک مرکزی، کسی راجع به این‌ها صحبتی داشته، جز این‌که این صندوق‌های قرض‌الحسنه باید سامان بپذیرند و سازوکار نظارتی داشته باشند. نوع دوم که اساساً صندوق‌های قرض‌الحسنه نیستند، بلکه مؤسسه اعتباری‌اند یا بانک و یا هر چیز دیگر. عنوان صندوق قرض‌الحسنه را نباید به این‌ها داد. هیأت وزیران در ۱۳۶۳/۱۱/۲۰ مصوبه‌ای داشته که مطابق آن وزارت کشور و بانک مرکزی باید بر صندوق‌های قرض‌الحسنه نظارت کنند. وظیفه ناجا (شهربانی

وقت) هم نظارت بر صلاحیت فردی و مکانی بوده است. مجوزهایی که ناجا برای تمام صنف‌ها می‌داده، نظارت پولی و بانکی‌اش را بانک مرکزی بر عهده داشته است. در تاریخ ۱۳۷۰/۸/۸ هیأت وزیران با استناد به خیریه و عام‌المنفعه بودن صندوق‌های قرض‌الحسنه، مصوبه قبلی را لغو کرد؛ بدین ترتیب مصوبه سال ۱۳۶۳ هیأت وزیران در سال ۱۳۷۰ لغو شده است. در سال ۱۳۶۹، شورای پول و اعتبار مصوبه‌ای در مورد صندوق‌های قرض‌الحسنه داشته که در آن‌جا ضمن تعریف صندوق‌های قرض‌الحسنه، نوع فعالیت‌هایی که باید انجام بدهند و نیز چگونگی اقدامات‌شان را مشخص کرده است.

به نظر من برای پیدا کردن راهکار، چند اقدام باید صورت گیرد. اول این که هیأت وزیران مصوبه سال ۱۳۶۳ را که در سال ۱۳۷۰ لغو کرده، به استناد این‌که در شرایط فعلی صندوق‌های قرض‌الحسنه وضعیت دیگری دارند، دوباره احیا کند و دوم این که مصوبه سال ۱۳۶۹ شورای پول و اعتبار را نافذ بدانیم؛ یعنی بگوییم چون شورای پول و اعتبار تصویب کرده، پس نافذ است.

شورای پول و اعتبار برای نظام پولی و بانکی، نهاد رسمی و قانونی معین شده‌ای است؛ در خصوص صندوق‌های قرض‌الحسنه مصوبه دارد و در آن‌جا تمام مسئولیت‌ها مشخص شده است، وظیفه ناجا چیست؟ وظیفه ثبت شرکت‌ها کدام است؟ بانک مرکزی چه وظیفه‌ای دارد؟

در مصوبه شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی ملزم به تشخیص فعالیت بانکی از غیربانکی و سالم بودن یا سالم نبودن صندوق شده است. استناد به گزارش بانک مرکزی باید مبنای عمل نیروی انتظامی باشد، کما این‌که در بقیه صنوف این اتفاق می‌افتد؛ سازمان دامپزشکی موظف است بر قصابی‌ها نظارت کند. وقتی که این سازمان اعلام کرد که فلان قصابی گوشت ناسالم توزیع می‌کند، ناجا باید به استناد گزارش دامپزشکی عمل کند. حال اگر بعد از این مرحله، طرفین به دادگاه بروند، سازمان دامپزشکی باید اثبات کند که این گوشت آلوده بوده؛ اگر کار به دادگاه کشیده نشد، موضوع منتفی است و جلوی فعالیت واحد صنفی مورد نظرش گرفته می‌شود. لذا فکر می‌کنم یا مصوبه هیأت وزیران در سال ۱۳۶۳ را باید احیا کنیم، یا بانک مرکزی، ناجا، وزارت امور اقتصادی و دارایی و شورای پول و اعتبار تأکید بر این داشته باشند که مصوبه شورای پول و اعتبار باید مبنای عمل قرار گیرد و ناجا موظف به عمل و بانک مرکزی موظف به ارزیابی باشد. در آن‌جا باید مشخص شود اگر صندوق قرض‌الحسنه‌ای وارد فعالیت‌های پولی و بانکی شد، دیگر صندوق قرض‌الحسنه نیست. تشخیص این امر به عهده بانک مرکزی است و لذا بانک مرکزی خود به خود مجوز دارد که هر صندوقی را بازرسی کند، چنین نیست که صندوقی بگوید من بانک مرکزی را نمی‌پذیریم. بانک مرکزی این مجوز را به استناد شورای پول و اعتبار (یا مصوبه قبلی خودش، اگر احیا شود) داراست که هر صندوقی را بازرسی کند و اسناد آن‌ها را بخواهد و ببیند. اگر این اسناد نشان داد که طبق مصوبه و قوانین موضوعه، صندوق کار قرض‌الحسنه می‌کند، مشکلی نیست ولی در غیر این صورت می‌تواند سازو کارهای دیگری را تعریف کند که این صندوق کماکان به طور خودکار کنترل شود و از حوزه خود خارج نشود. اگر هم خواست از حوزه‌اش خارج شود، در آن صورت، یک مؤسسه مالی و اعتباری خواهد شد. لذا باید وارد حوزه دیگری شود. عرض من این

است که بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، شورای پول و اعتبار، وزارت کشور و ناجا باید با یکدیگر هماهنگ شوند و در این خصوص برنامه‌ریزی کنند؛ چون افسارگسیختگی امروز در زمینه گسترش صندوق‌ها قطعاً فاجعه‌بار خواهد بود.

آقاي نوربخش: نکته اولی که کمیسیون باید معین کند، این است که قدرت قانونی مرجع صدور مجوز چیست، تا حرکت براساس آن صورت گیرد. اگر مرجع مورد نظر دید خلاف است، آن مجوز را ابطال کند، چنان که در مورد مطب پزشکان، داروسازان و سایر مراجع نیز چنین عمل می‌شود. این‌جا هم عیناً باید همین حالت باشد، گرچه الان این گونه نیست. دوم آن که گفته شد سازمان‌های غیر دولتی (NGO) را حمایت کنیم. اصلاً بحث سازمان‌های غیر دولتی نیست، بلکه بحث اموال مردم و اعتماد عمومی است. سوم آن که اگر چهار گام اجرایی لازم، یعنی صدور مجوز، دستورالعمل اجرایی، ثبت عملیات در دفترها و نظارت بر ثبت همگی در آیین‌نامه، قانون یا مصوبه با هم دیده شود، این عملیات می‌تواند شکل بگیرد. اگر چنین نباشد، حتماً این قضیه مشکل بیش‌تری پیدا خواهد کرد. چهارم آن که راجع به بحث نظارتی سازمان اقتصاد اسلامی، باید گفت اولاً بخش خصوصی در این زمینه موفق نمی‌شود و درگیر رقابت‌های صنفی می‌شود. ثانیاً این جا بحث حاکمیتی است؛ بحثی است که دولت باید حضور داشته باشد. ممکن است در اجرا بگوییم به ما در کار بازرسی کمک کنید، که این یک روش اجرایی است.

آقاي بهرامي (نماینده مجلس): من چند سؤال راجع به صندوق‌های قرض‌الحسنه دارم و اولین سؤالم این است که مجوز صندوق‌های قرض‌الحسنه را نیروی انتظامی و وزارت کشور می‌دهند. چنانچه در این صندوق‌های قرض‌الحسنه مشکلی به وجود آید، آیا صادرکننده مجوز، پرداخت سپرده‌ها را ضمانت می‌کند یا خیر، چنان که وقتی در بانک‌ها اختلاس می‌شود و مشکل مالی پیش می‌آید، سپرده‌های مردم دچار مشکل نمی‌شود. بانک موظف به برگرداندن سپرده مردم است.

سؤال دوم این که اگر صندوق‌ها زیر نظر بانک مرکزی یا یک مؤسسه مالی قرار بگیرند، با توجه به این‌که بانک ۲٤ درصد سود می‌گیرد و صندوق‌ها ٤ درصد آیا باز هم همان ٤ درصد را ادامه خواهند داد یا تابع بانک خواهند شد و ۲٤ درصد سود دریافت خواهند کرد؟ البته اگر چنین بشود، امیدی که مردم به صندوق‌ها دارند، نقش بر آب می‌شود. امروزه به خاطر مشکلات مالی که در جامعه هست، مردم به دنبال تسهیلات راحت‌تری می‌گردند. بانک‌ها هم مشکلاتی برای دادن وام و تسهیلات ایجاد می‌کنند و تعدادی مقررات دست و پاگیر دارند، درحالی که صندوق‌های قرض‌الحسنه این مقررات دست و پا گیر را ندارند و شرایط‌شان بسیار راحت‌تر است.

سؤال نماینده مجلس: سازمان اقتصاد اسلامی، آیا یک سازمان خصوصی است یا دولتی؟ از کجا مجوز فعالیت گرفته است و سرمایه آن چقدر است؟

آقاي جماعتي (نماينده سازمان اقتصاد اسلامي): در سال ۱۳۵۸، بانک اسلامی (چون هنوز در آن زمان بانک‌ها ملی نشده بودند) مجوز فعالیت را از بانک مرکزی گرفت و مجوز شرعی را نیز از حضرت امام دریافت کرد. به دنبال آن، بانک اسلامی در حساب ۹۹ بانک ملی پذیره‌نویسی کرد. همزمان با آن، شورای انقلاب، بانک‌ها را ملی و اعلام کرد که دیگر بانک خصوصی نمی‌تواند وجود داشته باشد. وقتی این کار صورت گرفت، بعد از کشمکش‌های زیاد با شورای انقلاب، در آن زمان جلسه‌ای تشکیل و نتیجه‌اش این شد که اسم «بانک اسلامی» را به «سازمان اقتصاد اسلامی» تغییر دهند و ماده ٦٤ آن را هم به اساسنامه‌اش اضافه کنند، مبنی به این که این سازمان عام‌المنفعه است، و هر کسی تمایل به سپرده‌گذاری در آن ندارد، می‌تواند سهم خود را بگیرد، که عده‌ای هم مراجعه کردند و پول‌شان را گرفتند. بنابراین، اساسنامه سازمان اقتصاد اسلامی همان اساسنامه اولیه‌ای است که به تأیید رسیده بود. از جملهٔ اهداف فعلی سازمان، توسعه سنت قرض‌الحسنه است. سرمایه ثبتی سازمان اقتصاد اسلامی یک میلیارد و چهارصد میلیون ریال است.

آقاي بهاري (نماينده صندوق‌هاي قرض‌الحسنه واقع در مشهد): از نظر شرعی، فعالیت صندوق‌ها هیچ عیب و ایرادی ندارد. از نظر عرف اجتماعی هم مورد استقبال قرار گرفتن آن‌ها دال بر منصفانه بودن‌شان است. حال اگر این بحث مطرح است که باید نظارتی بر کار این صندوق‌ها صورت بگیرد و این نظارت باید از جانب بانک مرکزی باشد، «سمعاً و طاعةً». در خصوص این که به دلیل تخلف برخی صندوق‌ها آن‌ها را باید تبدیل به بانک کنیم نیز باید گفت اگر بانک کارش را درست انجام می‌داد، قطعاً جایی برای این صندوق‌ها نبود. در مورد ساماندهی، نظام‌مند کردن و قانونمند ساختن صندوق‌ها هم اگر اصلاحات مورد نظر مورد استقبال قرار گرفت، ما نیز با آن موافق هستیم.

آنچه در مشهد اتفاق افتاد، در حقیقت، مربوط به ضعف در اجرا بود که کار به‌دست هر کسی افتاد. درمورد کارمزد هم اگر نظر بر این باشد که صندوق‌ها در مقابل کاری که انجام می‌دهند، کارمزدی نگیرند، سؤال این است که پس هزینه‌های‌شان را از کدام محل تأمین کنند؟ در مشهد، کارمزد از ۳درصد بیش‌تر نیست؛ غالباً بین ۲/۵ تا ۳ درصد است. حال اگر کسانی پا را از گلیم‌شان فراتر گذاشته و مشکلات و بحران‌هایی را ایجاد کرده‌اند، حق این بود که نظارت صورت می‌گرفت و جلوی خلاف‌های‌شان از همان ابتدا گرفته می‌شد. چون از سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به این طرف، مشخص بود که بحران ایجاد خواهد شد، کما این‌که شد. بسیاری از صندوق‌هایی که با مشکلات مواجه شدند، از یکی دو سال قبل هم کاملاً محرز بود که با مشکل مواجه می‌شوند، ولی در عین حال نظارتی هم بر کار آن‌ها نبود.

آقاي مظاهري: فکر می‌کنم جمع‌بندی بحث در مورد قرض‌الحسنه این چنین باشد که در مورد فعالیت صندوق‌ها به روش سنتی اتفاق نظر وجود دارد؛ یعنی به این شکل که کسی پول بدهد و کسی پول بگیرد و البته کارمزدی هم در حد ۱ درصد، ۲ درصد و یا ۳ درصد برای هزینه‌های عملیاتی بگیرند.

یک بحث در خصوص پرداخت‌ها به شکل جدولی است مبنی بر این که آیا این‌ها قرض‌الحسنه هستند یا نه؟ این جای بررسی دارد. قضاوت اولیه ما این است که این کار جدولی اِشکال شرعی ندارد، اما قرض‌الحسنه هم نیست. هر چیزی که الزام شرعی نداشته باشد، قرض‌الحسنه نیست، بلکه یک عملیات بانکی، مضاربه، مشارکت و دادن اعتبار، ... است. این‌ها فعالیت‌ها مشروع هستند. بیع و معاملات عقود اسلامی اشکال شرعی ندارند، اما قرض‌الحسنه نیستند؛ چون سود در آن‌ها دخیل است. پس همان گونه که گفته شد، قضاوت اولیه ما این است که این روش جدولی روشی است که ما اشکال شرعی آن را نمی‌دانیم، اما به نظر ما قرض‌الحسنه نیست. تقاضا دارم که این را جمع‌بندی نکنیم و بحث آن را در جلسه‌ای دیگر و به‌طور کارشناسانه‌تر انجام دهیم. اگر به این نتیجه رسیدیم که پرداخت جدولی نوع دیگری از قرض‌الحسنه است، آن را جزو ضوابط قرض‌الحسنه می‌گذاریم.

مشکلی که با صندوق‌های قرض‌الحسنه خلافکار یا تعاونی‌های اعتباری داریم، فقط این نیست که وام جدولی می‌دهند، کارهای زیاد دیگری هم می‌کنند که منجر به خلق پول می‌شود. من فکر می‌کنم که خلق پول یک ملاک تشخیص مؤسسه اعتباری ازمؤسسه قرض‌الحسنه است. حال اگر بدین نتیجه رسیدیم که پرداخت به روش جدولی خلق پول نمی‌کند، این جزو قرض‌الحسنه است، اما اگر دیدیم خلق پول می‌کند، این یک کار مالی و اعتباری است.

در مورد این‌که مؤسسات قرض‌الحسنه و مؤسسات مانند آن، سازمان‌های غیر دولتی (NGO) هستند یا خیر، محل بحث است. ما فکر می‌کنیم سازمان غیر دولتی به معنی مؤسساتی است که تشکل‌های فنی ـ حرفه‌ای دارند؛ مثل انجمن مهندسان صنایع و انجمن پیمانکاران. این انجمن‌ها تشکیل می‌شوند که به یک صنف یا حرفه‌ای کمک فکری بکنند. در مورد این که آیا مؤسسات قرض‌الحسنه مشمول آن می‌شوند یا خیر، یک علامت سؤال بگذارید تا کار کارشناسی آن تمام شود.

در مورد سازمان اقتصاد اسلامی باید گفت که این سازمان مسئول نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه نیست، اما کار نظارت را در این مدت انجام داده‌اند، و بر هزار صندوق از میان هشت تا نه هزار صندوق، نظارت کرده و فعالیت آنان را به روش سنتی حفظ کرده‌اند، در این حد ما از آنان تشکر و آن روش را تأیید کرده‌ایم. در مرحله بعدی باید ببینیم این سازمان چه کمکی می‌تواند انجام دهد، که بحث آن جداست. این‌که خودشان تبدیل به بانک شوند، مقوله‌ای دیگر است.

در مورد این‌که امروز چه باید بکنیم، به نظر می‌رسد در این مسأله اتفاق نظر وجود دارد که وضع موجود، وضع آشفته‌ای است؛ یعنی از دید سپرده‌گذاران که پولشان را در این صندوق‌ها گذاشته‌اند، پول‌شان در معرض خطر است؛ بالاخص با رقابتی که الان این مؤسسات با یکدیگر برای جمع کردن پول بیش‌تر دارند، با یک حساب سرانگشتی معلوم می‌شود که این صندوق‌ها در کوتاه مدت با مشکل مواجه شده و تعطیل خواهند شد.

در مورد سؤال آقای بهرامی که فرمودند اگر سپرده مردم به خطر بیفتد چه اقدامی می‌شود، طبیعی است که وزارت کشور و نیروی انتظامی سپرده‌ها را تضمین نمی‌کنند، ولی به هر حال دولت نمی‌تواند بگوید به من مربوط نیست؛ همان‌طور که در بحث شرکت مضاربه‌ای سحروالیکا نتوانست.

بالاخره دولت باید پاسخگو باشد. حرف هم همین است که باید برای مؤسسه‌ای که می‌خواهد قرض‌الحسنه باشد و به روش جدولی عمل کند و در عین حال خلق پول نکند، ضابطه‌ای بگذاریم. مؤسسه‌ای هم که می‌خواهد کار اعتباری مالی انجام دهد؛ و سود به‌دست آورد، کارش مشروع است، اما در چارچوب مؤسسه مالی ـ اعتباری یا در چارچوب بانک فعالیت کنند.

حال سؤال این است که ما با قانون‌های موجود، آیا می‌توانیم مشکلات مطرح شده را با هماهنگی بین دولت، وزارت کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و نیروی انتظامی، سامان بدهیم یا نه. تصور ما این است که می‌شود این کار را صورت داد. به همان دلیل که آن مصوبه دولت در سال ۱۳٦۳ را خود دولت در سال ۱۳۷۰ به پیشنهاد وزارت کشور و تأیید بانک مرکزی لغو کرد. حال خود این دولت می‌تواند دوباره همان مصوبه را کمی محکم‌تر یا با همان شکل مصوب سال ۱۳٦۳ تصویب کند و مبنای عمل قرار دهد و هیچ مشکلی هم ندارد. اگر صلاح می‌دانید، در جلسه بعدی مقداری بحث حقوقی کنیم؛ مثلاً آقای اثنی عشری از بانک مرکزی بیایند و آقای تقدیسیان را دعوت کنید و یک کار مشترک صورت دهید؛ دوستان سازمان اقتصاد اسلامی و دوستان پایاپای یا هر کسی که نظر حقوقی دارد، بیایند و در این مورد نظر دهند که آیا سامان دادن و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه در قالب قوانین موجود: قانون پولی و بانکی و قانون برنامه سوم توسعه از طریق مصوبه دولت یا مصوبه شورای پول و اعتبار امکان‌پذیر است یا نه.

آقای بهرامی سؤال کردند که اگر این صندوق‌ها بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری شوند، آیا نرخ سود ٤ درصد آن‌ها به ۲٤ درصد افزایش می‌یابد، که در این مورد باید گفت مؤسسات مالی و اعتباری می‌توانند هم کار قرض‌الحسنه انجام دهند و هم کار اعتباری بکنند، مثل بانک‌ها؛ اما صندوق‌های قرض‌الحسنه نمی‌توانند کار مالی ـ اعتباری کنند، پس اگر مؤسسات به مؤسسه اعتباری یا بانک تبدیل شوند، می‌توانند کماکان قرض‌الحسنه را به عنوان جزئی از کارهای‌شان ادامه دهند.

آقاي شاهي عربلو: به نظر من بحث‌مان در مورد صندوق‌های قرض‌الحسنه این است که صندوق‌های قرض‌الحسنه، به صورت قرض‌الحسنه بمانند؛ اما باید قانونمندشان سازیم و مشکلات آن‌ها را حل کنیم. بنابراین، بحث تبدیل آن‌ها به بانک مطرح نیست؛ چرا که مجوز بانک خصوصی هم موجود است. ما نمی‌توانیم بانک خصوصی دومی با شرایط جدید ایجاد کنیم. در پایان از همه حاضران محترم تشکر می‌کنم.

جلسه دوم: سؤال نمايندگان مجلس (آقايان شمس وهابي و ذاكري) از وزير امور اقتصادي و دارايي در مورد مسائل و مشكلات صندوق‌هاي قرض‌الحسنه

سؤال مكتوب آقاي شمس وهابي:

وضعيت صندوق‌های قرض‌الحسنه و دلایل بحران‌های حاکم بر آن؟

سؤال مكتوب آقاي ذاكري:

قرض‌الحسنه به عنوان یک سنت سالم‌ساز اقتصاد و جامعه و به عنوان یک حسنه قرآنی و دینی که اهمیت و فواید و کارگشایی آن بر هیچ انسان منصفی پوشیده نیست، از مدت‌ها قبل در خراسان مشکلاتی را برای مردم و مسئولان به وجود آورده است . لذا مستدعی است وزیر محترم اقتصاد و دارایی به سؤال ذیل پاسخ دهد:

تا اکنون نسبت به ساماندهی قرض‌الحسنه‌ها در کل کشور و از جمله در خراسان با عنایت به بحران به وجود آمده در آن استان، چه اقداماتی از سوی آن وزارتخانه محترم و بانک مرکزی به عمل آمده است؟

آقاي مظاهري: در مورد مشکلی که به وجود آمده است و یک مشکل عمده هم هست، کاری که در این یک سال و نیم انجام دادیم، بدین صورت بود که در اوایل با مکاتبات، مذاکرات و جلسات کوچک‌تر با صندوق‌های قرض‌الحسنه و بانک مرکزی و در مرحله بعدی با طرح مسأله در سطح جامعه (حتماً در مقالات روزنامه‌ها و مصاحبه‌ها دیده‌اید) به این مسأله پرداخته و خواستار حل مسأله شده‌ایم؛ دنبال راه‌حل هم رفته‌ایم. یک یا دو جلسه در همین زمینه در کمیسیون اقتصادی داشته‌ایم و نزدیک است به یک جایی برسیم و نظامی بر آن حاکم کنیم. من فکر می‌کنم بانک مرکزی با قانونی که موجود است، اختیار نظارت بر صندوق‌ها را دارد؛ قوه قضاییه و نیروی انتظامی هم باید براساس دستور، نظر و تشخیص بانک مرکزی، مبنی بر این که اگر یک مؤسسه قرض‌الحسنه کار بانکی کرد و از حیطه فعالیت خود فراتر رفت و یا مؤسسه‌ای اعتباری کار بانکی کرد، جلوی فعالیت آن‌ها را بگیرند. کار دیگری که کردیم، این بود که از یک طرف با مؤسسات بزرگی (مانند صندوق قرض‌الحسنه نیروی انتظامی و دیگر صندوق‌ها) که به شکلی با مجموعه نظام ارتباطی دارند، هماهنگی به عمل آوردیم و از طرف دیگر با سازمان اقتصاد اسلامی نیز هماهنگی ایجاد کرده‌ایم که برای نظارت بر فعالیت مؤسسات قرض‌الحسنه به ما کمک کنند. همچنین با چند مؤسسه قرض‌الحسنهٔ وابسته به نیروهای مسلح (مثل انصار المجاهدین، قرض‌الحسنه بسیجیان و ...) قرار گذاشته‌ایم که اگر بتوانیم با ترکیبی از این مؤسسه‌های بزرگ دارای شعبات زیاد و وابسته به دولت و حکومت (مثل نیروهای مسلح و امثالهم) یا سازمان اقتصاد اسلامی که بخش خصوصی بزرگی است، این هماهنگی را انجام بدهیم. آن وقت صندوق‌ها و مؤسسات کوچک که احیاناً بخواهند تخلف کنند، حرفی زیادی برای گفتن ندارند. این کارهای تدارکی بود که انجام داده‌ایم. بانک مرکزی نیز آمادگی خودش را برای همکاری اعلام کرده است.

آخرین جمله هم این که آیین‌نامه‌ای را وزارت کشور برای نحوه فعالیت مؤسسات غیردولتی ارائه داده و در کمیسیون لوایح دولت مطرح کرده و به تصویب رسانده که امیدواریم فردا بتوانیم آن را در هیأت دولت به تصویب برسانیم و عملیاتی کنیم . این آیین‌نامه به گونه‌ای است که مؤسسات قرض‌الحسنه را هم شامل می‌شود. ما در آن‌جا به طور مشخص در دو بند پیشنهاد کردیم که آن بخش از مؤسسات غیردولتی که کار بانکی، پولی، مالی، قرض‌الحسنه و اعتباری می‌کنند وواسطه وجوه هستند، ثبت‌شان به تأیید بانک مرکزی برسد و مرجع قانونی نظارتی آن‌ها نیز بانک مرکزی باشد. مرجع قانونی نظارتی هم در آیین‌نامه، مرجعی است که اگر گفت این مؤسسه را به خاطر تخلفی که کرده باید ببندند، وزارت کشور و نیروی انتظامی مجری این کار هستند. قبلاً چنین مصوبه‌ای در سال ۱۳۷۰ داشتیم که لغو شده است.

محک سنجش متخلف بودن یا متخلف نبودن صندوق‌های قرض الحسنه، قدرت خلق پول است. صندوق‌ها قرض‌الحسنه نباید خلق پول کنند. در این مورد مثالی می‌زنم؛ مثلاً من یکصد هزار تومان از شما قرض می‌گیرم. در مدتی که این پول مال من است، شما قدرت خرید آن را ندارید ؛ ولی وقتی که به شما پس می‌دهم، این قدرت خرید به شما منتقل می‌شود. در مؤسسات مالی، اعتباری و بانک، من می‌روم یکصد هزار تومانی را که شما در بانک به هر عنوانی (سپرده قرض‌الحسنه، سپرده سرمایه‌گذاری، سپرده مدت‌دار) سپرده گذاشته‌اید، قرض می‌گیرم؛ ولی قدرت خدید شما سرجایش باقی است. در مدتی که پول‌تان سپرده است، شما حق دارید به بانک مراجعه کنید و پول‌تان را بخواهید، قدرت خرید شما سر جای خودش هست. فقط اگر رفتید و پول‌تان را سپرده گذاشتید، پول‌تان تبدیل به شبه پول می‌شود. بانک یا مؤسسه اعتباری به اتکای یکصد هزار تومان شما، هفتاد هزار تومان وام می‌دهد و با این فرایند، خلق پول می‌کند.

من فکر می‌کنم با تصویب آیین‌نامهٔ مذکور در دولت و با هماهنگی‌ای که با سازمان اقتصاد اسلامی و مؤسسات قرض‌الحسنه حکومتی که نمونه‌هایش را عرض کردم و نیز با صحبت‌هایی که قبلاً با این‌ها کردیم و با توجه به برنامه زمان‌بندی‌ای که داریم، بتوانیم آمادگی‌شان را فراهم کنیم که تحت ضابطه قرار گیرند و سپس به عنوان الگو قابل ارائه شوند . بعداً بگوییم هم این الگوها که وابسته به دولت هستند و هم آن‌ها که وابسته به دولت نیستند مانند سازمان اقتصاد اسلامی می‌توانند جواب دهند. بدین ترتیب قرض‌الحسنه‌ها نیز کماکان قرض‌الحسنه باقی می‌مانند. مؤسسات مالی و اعتباری هم باید طبق ضوابط مؤسسات اعتباری از بانک مرکزی مجوز بگیرند، نظارت بشوند و سپرده قانونی بدهند. این کار، هم به لحاظ گردش پول در مملکت لازم است و هم از تنشی که الان هست، نجات پیدا می‌کنیم و از همه مهم‌تر منافع سپرده‌گذاران حفظ می‌شود.

آقاي عبدالهي: آقای مظاهری در جلسه‌ای که راجع به مشکلات صندوق‌ها داشتیم من هم خدمت‌تان بودم، نکته این بود که نظام بانکی ما کارایی لازم و کارکرد مناسب را ندارد و این امر سبب شده است که مردم جذب صندوق‌های قرض‌الحسنه شوند، و از این نظر اصلاحاتی را باید در نظام بانکی به وجود آوریم . نکته دوم این بود که آقای نوربخش می‌گفتند ما موارد متعددی از تخلف صندوق‌ها

را برای قوه قضاییه فرستاده‌ایم و قوه قضاییه این‌ها را تبرئه کرده است. از این هم چنین برداشت می‌شود که تشخیص قوه قضاییه این بوده که فعالیت این‌ها خلاف قانون نیست. حال اگر فکر می‌کنید که این مسأله به قانون نیاز دارد، یا خودتان لایحه بیاورید یا این که ما طرح بدهیم.

آقاي مظاهري: یکی از دلایل رشد صندوق‌های قرض‌الحسنه کُندی نظام بانکی ماست. در این تردیدی نیست. این مسأله باید با کمک دوستان بانک مرکزی حل شود و وزارت امور اقتصادی و دارایی هم در طول یک سال اخیر خیلی روی این مسأله کار کرده، ولی هنوز کاری را که باید، نکردیم و با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. نظام بانکی ما برای ارائه خدمات بانکی به مردم اصلاً بسنده نیست و شأن مردم را چه به لحاظ رفتار و چه به لحاظ کارهای اعتباری‌شان حفظ نمی‌کند. انشاءا... بتوانیم این کار را صورت دهیم.

در مورد بحث مربوط به قوه قضاییه، تصورم این است که با این مصوبه دولت مسأله می‌تواند حل شود. ناهماهنگی بین قوه مجریه و قوه قضاییه در جاهای دیگر هم وجود دارد؛ برای نمونه در بحث قاچاق، که در مورد آن قانون داریم، از چهل هزار پرونده‌ای که به قوه قضاییه فرستاده‌ایم، آن‌ها ۷۰ درصد را حکم برائت دادند و بقیه هم در حال رسیدگی است. به نظر می‌آید که باید با قوه قضاییه هماهنگ‌تر باشیم. اما علاوه بر هماهنگی با قوه قضاییه، بحث این است که مرجع تشخیص کیست؟ در این آیین‌نامه، ما مرجع نظارتی را بانک مرکزی گذاشته‌ایم؛ به این معنا که مثلاً الان اگر یک داروخانه در کارش خلاف ضوابط موجود عمل کندو داروی فاسد بفروشد یا هر کار خلاف دیگری انجام دهد، وزارت بهداشت، به عنوان عامل نظارتی، اگر بنویسد که این داروخانه را ببندید، نیروی انتظامی این کار را می‌کند. بستن آن موکول به حکم قضایی نیست. البته آن فرد می‌تواند به خاطر حکم نظارتی غلطی که داده شده، شکایت کند؛ اما ورود به عملیات اجرایی از موضع نیروی انتظامی بنا به تشخیص عامل نظارتی است؛ ولی در مورد قرض‌الحسنه این گونه نیست. البته با این آیین نامه دولت این کار می‌تواند صورت گیرد؛ بدین شکل که با اعلام بانک مرکزی، نیروی انتظامی اقدام می‌کند و اگر صندوق مورد نظر شکایت داشته باشد، به دادگاه می‌رود و باید در آن‌جا اثبات کند که کارش درست بوده یا نه. به نظر من این مسأله نیازی به قانون ندارد، اما اگر کفایت نکرد، حتماً از مجلس کمک خواهیم خواست .

آقاي عبدالهي: حال، شما امیدوارید که این صندوق‌ها چه وقت سامان پیدا کنند و از وضعیت آشفته فعلی خلاص شوند؟

آقاي مظاهري: اگر فردا آیین‌نامه مذکور تصویب شود، ابزار قانونی فراهم می‌آید؛ اما این کار چون وسعت دارد، یکباره نباید شوک وارد کنیم. مشغول این هماهنگی هستیم. فکر می‌کنم باید مهلتی بگذاریم تا سپرده‌گذارانی که پول گذاشته‌اند، دچار ضرر نشوند. با صندوق‌های بزرگ دولتی و

سازمان اقتصاد اسلامی هماهنگی شده است و مشغول ادامه کار هستیم. البته ان‌شاءا... این را با مقداری صبر انجام می‌دهیم. اگر قانونی هم خواستیم، از مجلس کمک می‌گیریم.

آقاي وهابي: فکر می‌کنم گاهی تحول از درون دولت یا امکان‌پذیر نیست یا زمانی امکان‌پذیر است که یک فشار بیرونی دولت را به سمت اجرا سوق دهد. حال به کمک عناصری باید رفت که می‌خواهند تحول ایجاد کنند؛ چون در دولت هم عناصری هستند که خواهان تحول‌اند و عناصری هم هستند که تحول نمی‌خواهند. در مورد صندوق‌ها، من فکر می‌کنم که ما یک مسأله داریم و آن این است که تحول باید ایجاد شود. دو فشار باید وارد شود؛ یکی فشار به نظام بانکی است که جدی‌تر از این باشد و از رکود در آید و فکر کند که مسئول قضیه است. دوم فشار به صندوق‌های قرض‌الحسنه است تا دست از بعضی کارهای‌شان بردارند و نظام بانکی و بانک مرکزی بتوانند اصلاحاتی را که می‌گویند، اعمال کنند.

من فکر می‌کنم برای کمک آقایان، چه در سازمان اقتصاد اسلامی و چه در بانک مرکزی، ما این قضایا را باید در سطح عمومی مطرح کنیم. آقایان هم توضیحاتشان را بدهند. در ضمن به دلیل فشاری که بر بانک مرکزی، نیروی انتظامی و وزارت کشور، قوه قضاییه، صندوق‌های قرض‌الحسنه و مردم وارد می‌شود، باید با احتیاط با مسأله برخورد شود.

آقاي جعفري: آقای مظاهری! نکته‌ای که هست این است که خود صندوق‌های قرض‌الحسنه اعتقاد ندارند که تخلف می‌کنند. این بسیار بد است؛ یعنی اگر اعتقاد داشته باشند که عمل‌شان تخلف است، با یک تذکر مسأله حل می‌شود؛ اما آن‌ها قبول ندارند که خلاف می‌کنند و می‌گویند کار ما درست است و روی کارشان اصرار دارند و این عمل مسأله را مشکل‌تر می‌کند؛ چون ممکن است شما حکم کنید؛ اما آن‌ها زیر بار نروند. پس باید شدیدتر عمل و تکلیف را معین کنید.

آقاي شيباني (دبير كل بانك مركزي): در سال ۱۳۶۳، دولت تصویب کرد که بانک مرکزی و دولت می‌توانند امور صندوق‌های قرض‌الحسنه را تنظیم کنند. در سال ۱۳۷۰، دولت این مصوبه را لغو کرد و از آن وقت، نیروی انتظامی با استناد به قانون سال ۱۳۳۷ که مجوز این صندوق‌ها را نیروی انتظامی می‌توانست بدهد، شروع به مجوز دادن کرد. از آن به بعد، وقتی برای احکام نظارتی به دادگاه‌ها مراجعه کردیم، گفتند فقط شاکی خصوصی‌ای که متضرر شده باشد، می‌تواند بیاید وشکایت کند و بانک مرکزی نمی‌تواند دخالت کند. بنده توجه شما را به یک مطلب شامل چند آمار جلب می‌کنم، قرض‌الحسنه بسیجیان دارای ٤٦٣ شعبه، صندوق قرض‌الحسنه انصارالمجاهدین دارای ۲۰۰ شعبه، صندوق تعاون دارای ١٤٤ شعبه، صندوق قرض‌الحسنه قوامین دارای ۱۰۰ شعبه و صندوق قرض‌الحسنه علی‌بن‌ابی‌طالب دارای ۵۹ شعبه است. مشکل ما با صندوق‌های کوچک مساجد نیست. این صندوق‌های کوچک از ما تبعیت می‌کنند. واقعیت این است که مشکل‌مان با کسانی است که ما حریف‌شان نیستیم. الان در بانک مرکزی می‌توان دو نوع قرض‌الحسنه باز کرد؛ یکی کسانی

که می‌گویند پول ما را قرض‌الحسنه بدهید . دوم کسانی که می‌گویند پول ما را قرض‌الحسنه بدهید، منتهی به افرادی که خودمان معرفی می‌کنیم.

مبلغی حدود ۷ یا ۹ میلیارد تومان قرض‌الحسنه مردم در صندوق‌هاست. باید این صندوق‌ها را تجهیز کرد. صندوق‌های بزرگ نمی‌خواهند زیر چتر بانک مرکزی بروند؛ چون بانک مرکزی دستور می‌دهد و اگر ببیند کارشان تخلف است، آن‌ها را تعطیل می‌کند. مشکل و واقعیت این است که صندوق‌ها نمی‌خواهند حالت فرمان‌فرمایی را از دست بدهند. ٤٦٣ شعبه یعنی بانک. نیروی انتظامی که ما باید به آن پناه ببریم قرض‌الحسنه خودش (قوانین) ۱۰۰ شعبه دارد. بانک مرکزی یک لایحه را به نام «قانون بازار غیر متشکل پولی» به دولت برده که در نوبت رسیدگی است. اگر آیین‌نامه مورداشاره آقای مظاهری در دولت وافی به مقصود باشد که هیچ، وگرنه این قانون پیشنهادی بانک مرکزی را پیگیری کنید. البته باید گفت که کار خوبی را شروع کرده‌اید و همین طور هم جلو بروید؛ چون در غیراین صورت امکان دارد فردا برای مردم مشکل ایجاد شود.

شناسنامه گزارش	شماره مسلسل: ٦٥٤١

عنوان گزارش: بررسی مسائل و مشکلات صندوق‌های قرض‌الحسنه گزارش مذاکرات کمیسیون اقتصادی

نام دفتر: بررسی‌های اقتصادی
متقاضي: سیدشمس‌الدین وهابی (عضو کمیسیون اقتصادی)
تهیه و تدوین: محمد نادعلی
ناظر علمي: دکتر محسن مهرآرا
ویراستار: یوسف محمدنژاد

واژه‌هاي کلیدي و معادل انگلیسي آن‌ها:
۱. قرض‌الحسنه (Interest Free)

منابع و مأخذ تهیه گزارش:
۱. متن پیاده شده نوارهای جلسات برگزار شده در کمیسیون اقتصادی